

نشانه‌شناسی ایموجی

پیدایش زبان بصری در عصر اینترنت



مارسل دانسی

ترجمه مسعود تقی‌آبادی و یامان حکمت

انسان شناسی زبان



انتشارات فرهامه
مؤسسه عصر انسان شناسی ایرانیان

سرشناسه	دانیسی، مارسل، ۱۹۴۶ - م.
عنوان و نام پدیدآور	Danesi, Marcel نشانه‌شناسی ایموجی: پیدایش زبان بصری در عصر اینترنت/ مارسل دانیسی؛ مترجم مسعود تقی‌آبادی، یامان حکمت (تقی‌آبادی)؛ ویرایش واحد ویرایش موسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان
مشخصات نشر	تهران: فرهنگه، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۲۷۶ ص.: مصور، جدول؛ ۱۴/۵×۲۱ س.م.
شابک	978-600-8284-92-5
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	عنوان اصلی: The semiotics of Emoji: the rise of visual language in the age of the Internet, 2017.
یادداشت	کتاب حاضر در سالهای مختلف، توسط مترجمان و ناشران متفاوت، ترجمه و منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه ص. ۲۷۷- [۲۷۹].
عنوان دیگر	پیدایش زبان بصری در عصر اینترنت.
موضوع	نشانه‌شناسی Semiotics رسانه‌های گروهی -- نشانه‌شناسی Mass media -- Semiotics ارتباط دیداری -- روش‌های رقمی Visual communication -- Digital techniques خط -- چندرسانه‌ای تعاملی Writing -- Interactive multimedia زبان و اینترنت Language and the Internet
شناسه افزوده	تقی‌آبادی، مسعود، ۱۳۶۷- مترجم
شناسه افزوده	حکمت، یامان، ۱۳۵۸- مترجم
شناسه افزوده	موسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان
رده بندی کنگره	۹۹P
رده بندی دیویی	۳۰۲/۲۳۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۷۹۱۰۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیپا

نشانه‌شناسی ایموجی

پیدایش زبان بصری در عصر اینترنت

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Marcel Danesi (2017) *The Semiotics of Emoji: the rise of visual language in the age of the Internet*, London and New York: Blumsbury



www.farhameh.ir

farhameh@gmail.com

۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱ - ۸۸۸۴۳۶۲۹ - ۶۶۴۰۶۶۷۵

نشانه‌شناسی ایموجی

پیدایش زبان بصری در عصر اینترنت

© حق چاپ: اول، ۱۴۰۱، فرهامه

نویسنده: مارسل دانسی

مترجمان: مسعود تقی‌آبادی و یامان حکمت (تقی‌آبادی)

ویرایش: واحد ویرایش مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی و پی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتالی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است. این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

نشانه‌شناسی ایموجی

پیدایش زبان بصری در عصر اینترنت

مارسل دانسی

ترجمه مسعود تقی‌آبادی و یامان حکمت (تقی‌آبادی)



فهرست

۱۰.....	دیباچه
۱۴.....	مقدمه
۱۹.....	فصل اول: ایموژی و نظام‌های نوشتاری
۲۰.....	ریشه‌های ایموژی
۲۵.....	نظام‌های نوشتار
۳۱.....	نوشتار به مثابهٔ رویهٔ اجتماعی
۳۴.....	سبک‌سازی
۳۷.....	ایموژی‌های چهره‌ای
۳۹.....	روش تحقیق
۴۱.....	فصل دوم: کاربردهای ایموژی
۴۳.....	کارکرد همدلانه (مجرای ارتباط)
۴۷.....	کارکرد عاطفی
۴۷.....	پیام متنی
۵۲.....	استانداردسازی
۵۵.....	ابهام
۵۷.....	رمزگذاری فرهنگی
۵۸.....	ایموژی آرایش ناخن
۵۸.....	ایموژی شست بال‌آمده

۶۱.....	فصل سوم: توانش ایموژی.....
۶۳.....	ویژگی‌های کلی.....
۷۰.....	نظام ایموژی.....
۷۲.....	ایموژی‌های اصلی.....
۷۶.....	واژه‌نامه جنبی (فرعی).....
۷۹.....	اختصار.....

۸۳.....	فصل چهارم: معناشناسی ایموژی.....
۸۶.....	اثر گنجینه‌ای (فرهنگ‌نامه).....
۸۹.....	چارچوب‌سازی.....
۹۳.....	دلالت ضمنی.....
۹۷.....	صورتک یا ایموژی چهره‌ای.....
۱۰۳.....	ترکیب.....
۱۱۵.....	قدرت تصاویر.....

۱۱۹.....	فصل پنجم: دستور زبان ایموژی.....
۱۲۰.....	گرفته‌برداری.....
۱۲۱.....	نمونه‌هایی از ایموژی‌های گرفته‌برداری.....
۱۲۲.....	مفهوم‌سازی.....
۱۲۷.....	نحو.....
۱۳۴.....	نوشتار مصور (ربوس).....
۱۳۸.....	مرور اجمالی.....

۱۴۱.....	فصل ششم: کاربردشناسی ایموژی.....
۱۴۳.....	توانش کاربردشناختی.....
۱۴۹.....	اجزاء اصلی الگوی یاکوبسن.....
۱۴۹.....	کارکردهای یاکوبسن.....
۱۵۱.....	ایموژی سلام و احوالپرسی.....
۱۵۵.....	نشانه‌گذاری.....
۱۵۷.....	سایر کارکردهای کاربردشناختی.....
۱۶۶.....	عبارت نوشته‌شده با ایموژی.....
۱۶۷.....	عبارت ایموژی بازچینی‌شده.....

۱۶۷.....	توالی مفهومی ایموچی ها.....
۱۶۸.....	برخی از پرسش ها و یافته های مربوطه.....
۱۷۳.....	فصل هفتم: تنوع ایموچی.....
۱۷۵.....	تنوع بین فرهنگی.....
۱۷۶.....	استفاده بر مبنای ملت.....
۱۷۹.....	رمزگذاری فرهنگی.....
۱۸۲.....	امر بصری.....
۱۸۵.....	تنوع جفت های مجاور.....
۱۸۹.....	نگارش به سبک کارتون.....
۲۰۱.....	فصل هشتم: گسترش ایموچی.....
۲۰۳.....	نوشتار تنها به وسیله ایموچی.....
۲۰۷.....	ترجمه های ایموچی.....
۲۱۳.....	ایموچی در تبلیغات.....
۲۱۵.....	ضد تبلیغات ایموچی.....
۲۱۸.....	تلاش.....
۲۲۵.....	فصل نهم: زبان های همگانی.....
۲۲۷.....	زبان های مصنوعی.....
۲۳۲.....	بلیس سیمبولیک ها.....
۲۳۸.....	نظام ایموچی.....
۲۴۳.....	فصل دهم: یک انقلاب ارتباطی؟.....
۲۴۴.....	دهکده جهانی.....
۲۵۰.....	ایموچی به مثابه یک روند.....
۲۵۷.....	آینده ایموچی.....
۲۶۳.....	منابع.....

دیباچه

در مکالمات رسانه‌های اجتماعی استفاده از متن کلامی و غیر کلامی (ایموجی) در بیان احساسات و تعیین معنای مد نظر فرستنده باعث بهبود اثربخشی در برقراری ارتباط می‌شود. با این حال، کاربران شبکه‌های اجتماعی از ایموجی نه تنها به عنوان زبانی بصری در انتقال احساسات و افکار استفاده می‌کنند، بلکه ایموجی بخشی از ساختار متن (جمله) نیز شده است. جملات محاوره‌ای که در مکالمه رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌شوند، خیلی وقت است که دیگر در آن علامت‌گذاری محلی از اعراب ندارد. با این حال، جملات در جمله انتهایی با ایموجی پایان می‌یابند. علائم نگارشی به عنوان نمادهایی برای نشان دادن ساختار و سازمان نوشتار و همچنین القای لحن و مکث‌هایی است که توسط فرستنده استفاده می‌شود و به همین دلیل علائم نگارشی به گیرندگان در خوانش پیام از طریق جمله‌ای کمک می‌کنند که با ایموجی درآمیخته شده است. با این اوصاف می‌توان اذعان داشت که طی پدیده مکالمات رسانه‌های اجتماعی در یک متن، ایموجی به بخشی از ساختار جمله تبدیل شده است.

ایموجی‌ها اکنون در زندگی ما شکل‌هایی آشنا هستند. بسیاری از ما به‌وسیله آنها با یکدیگر حرف می‌زنیم. آنها تأثیرگذار هستند؛ گاهی با آنها کسی را خوشحال می‌کنیم، گاهی سبب رنجش کسی می‌شویم و بسیاری از اوقات با آنها سوءتفاهم‌هایی را رفع یا ایجاد می‌کنیم. به هر صورت، آنها را در شکل‌های

مختلف در کنار خود داریم. اگر جهان کنونی ما جهان عبور از رمزگان کلامی به رمزگان تصویری باشد، در مرز این عبور، این ایموژی‌ها هستند که نقش اول را ایفا می‌کنند. آنها زبان تصویری را ملموس‌تر کرده و در اختیار ما قرار دادند تا در عصر حاکمیت رمزگان تصویری با سهولت و درک بهتری بتوانیم با یکدیگر سخن بگوییم. از همین رو، چنین زبانی قابلیت تحلیل، بررسی و تفسیر دارد. نشانه‌شناسی ایموژی‌ها در واقع سفر به جهان پنهان این شکلک‌های دوست‌داشتنی است برای دستیابی به شناختی ژرف‌تر از آنها.

با تأسی از مفاهیم «لانگ» و «پارول» بارت می‌توان این گونه آورد که ایموژی لانگی است که قوانین اجتماعی پایه یا دستورالعمل‌هایی برای کاربران رسانه‌های اجتماعی هستند. پارول یا کنش گفتاری را می‌توان در موارد استفاده از ایموژی از جنبه‌های نحوی، معنایی و کاربردشناختی مشاهده کرد. ایموژی زبانی است در دنیای رسانه‌های اجتماعی که کاربران از آن استفاده گسترده‌ای می‌کنند. کاربران ایموژی در رسانه‌های اجتماعی می‌توانند یکدیگر را در ارائه پیام درک کنند. ایموژی لانگ قوانین اجتماعی است که به طور معمول توسط کاربران در رسانه‌های اجتماعی به طور مشترک تصور می‌شود. سطح پارول نشان می‌دهد که کاربران چگونه افکار و احساسات خود را از طریق ایموژی بیان می‌کنند. بنابر این، متن در رسانه‌های اجتماعی بر اساس عناصر زبان کلامی و غیرکلامی (ایموژی) ساخته شده است. عملکرد ایموژی معنا و ارتباطات اجتماعی بین کاربران را در برقراری ارتباط تقویت می‌کند.

این کتاب به ما می‌آموزد که ایموژی‌ها بر خلاف عقیده برخی از زبان‌شناسان و اندیشمندان که ایموژی را زبان نمی‌دانستند و صرفاً وسیله‌ای برای ارتباط بهتر در فضای مجازی قلمداد می‌کردند، یک زبان کامل است و به‌نوعی زبان میانجی و معیار در عصر اینترنت و ارتباط مجازی است که گستره آن به تمام فعالیت‌های زندگی روزمره نیز تسری می‌یابد.

کتاب *نشانه‌شناسی ایموجی: پیدایش زبان بصری در عصر اینترنت* آخرین اثر مارسل دانسی است که در سال ۲۰۱۷ توسط انتشارات بلومزبری منتشر شده است. مارسل دانسی متولد ۱۹۴۶، استاد روان‌شناسی، زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی در دانشگاه تورنتو است. او به واسطه فعالیت‌های متعدد در حوزه‌های زبان، ارتباطات و نشانه‌شناسی شناخته شده است. از او کتاب‌هایی همچون *جستاری در باب معنا، مباحث اساسی زبان‌شناسی مردم‌شناسانه*، و *فهم نشانه‌شناسی رسانه‌ها* به فارسی ترجمه شده است.

این کتاب به طور عمده از دیدگاه نشانه‌شناسی و با اتخاذ یک سبک غیرفنی به ایموجی‌ها می‌نگرد تا حتی مخاطب عام و غیرمتخصص نیز بتواند با موضوع آن درگیر شود. بسیاری از تحلیل‌های انجام‌شده و شرح داده‌شده در این اثر بر اساس یک پایگاه داده در دانشگاه تورنتو تشکیل شده است که شامل پیام‌های الکترونیکی از جمله استفاده از ایموجی می‌شود. این کتاب در ۱۰ فصل به رشته تحریر درآمده است: فصل ۱ با عنوان «ایموجی و نظام‌های نوشتاری» به ریشه‌های ایموجی و انواع نظام نوشتاری می‌پردازد. فصل ۲ با عنوان «کاربردهای ایموجی» با برخورداری از آرای یاکوبسن به کارکردهای همدلانه، شاعرانه و ... و رمزگذاری‌های فرهنگی می‌پردازد. فصل ۳ نیز «توانش ایموجی» نام دارد که به بررسی زبان ایموجی و ایموجی‌های اصلی و فرعی می‌پردازد. همچنین فصل ۴ تحت عنوان «معناشناسی ایموجی» به بررسی اثر فرهنگ‌نامه‌ای و چارچوب‌سازی و مفاهیم ضمنی آن و قدرت تصاویر اشاره می‌کند. فصل ۵ نیز با عنوان «دستور زبان ایموجی» به بررسی دستور زبان ایموجی و گرت‌برداری و نحو و نگارش مصور توجه می‌شود. فصل ۶ با عنوان «کاربردشناسی ایموجی» به توانش کاربردی و برخورداری از ایموجی در نشانه‌گذاری و سلام و احوالپرسی و معانی منتج از آن اهمیت می‌دهد. فصل ۷ با نام «تنوع ایموجی» به تنوع میان فرهنگی ایموجی‌ها و کاربرد آنها بر پایه کشورها و رمزگذاری فرهنگی می‌پردازد. در فصل ۸ موضوع بحث «گسترش زبان ایموجی» است که با ذکر

مثال‌هایی، نگارش‌های متنوع با ایموجی را در کتاب‌ها و تبلیغات مهم برجسته می‌کند. در فصل ۹ نیز مسئله «زبان‌های همگانی» با توجه به زبان‌های ساختگی موجود از جمله بلیس سیمبولیک‌ها و زبان ایموجی به بحث گذاشته می‌شود و در پایان در فصل ۱۰ تحت عنوان «یک انقلاب ارتباطی؟» به مسئله دهکده جهانی و آینده ایموجی اشاره می‌شود و اینکه ایموجی به یک روند تبدیل شده است. در این کتاب با ذکر مثال‌هایی، مسئله هر فصل به نحوی ملموس مورد اشاره قرار می‌گیرد و سعی می‌شود تا از مواردی که در رسانه‌های اجتماعی و ... رخ می‌دهد به عنوان مورد مطالعه بهره گیرد و در نهایت نیز به پیش‌بینی در باب آینده ایموجی‌ها و خلق زبان جدید آن در بین مردم سخن می‌گوید.

مسعود تقی‌آبادی؛ یامان حکمت تقی‌آبادی

مقدمه

جهان فاقد معنی است، پس چرا باید نقاشی‌هایی را بکشم که معنادار باشد؟
بابلو پیکاسو (۱۸۸۱-۱۹۸۳)

در سال ۲۰۱۵ رویدادی قابل توجه رخ داد و یک ایموجی به نام «صورت با اشک شوق» توسط لغت‌نامه آکسفورد به عنوان «واژه سال» انتخاب شد. این ایموجی با اینکه یک واژه نبود [بلکه یک خط تصویری بود] اما توسط یکی از معتبرترین لغت‌نامه‌ها در جهان انتخاب شد. به نحوی باور نکردنی، این انتخاب شکایت‌ها، اعتراض‌ها و یا بحث‌های مجادله‌آمیز را از جانب نگهبانان سواد سنتی (یعنی دانشگاهیان، معلمان، متفکران زبان و غیره) در بر نداشت. این اتفاق از بسیاری جهات شگفت‌انگیز و فراتر از تصور بود و نشان می‌داد که ممکن است یک تغییر پارادایم واقعی در ارتباطات انسانی و حتی آگاهی بشری رخ داده باشد.

لغت‌نامه آکسفورد در پایگاه اینترنتی خود توضیح داد که یک خط تصویری را ورای یک کلمه انتخاب کرده است، زیرا «خلق‌وخوی، حالت و تمایلات» سال را به تصویر می‌کشد و مبین «افزایش شدید محبوبیت این ایموجی در سراسر جهان در سال ۲۰۱۵ است.» اما آیا این افزایش محبوبیت، نشانه‌ای است مبنی بر اینکه سواد مبتنی بر چاپ از زمان ورود فناوری‌های وب ۲ کاهش یافته است؟ گسترش سواد در اواخر دهه ۱۴۰۰ با اختراع تکنولوژی چاپ قابل حرکت تحت تأثیر قرار گرفت، به نحوی که مواد چاپی را

در دسترس و ارزان کرد، و باعث جذب سوادآموزی در میان همه طبقات مردم شد. اما نوع مشابهی از سوادآموزی که تا حدودی از قرن شانزدهم و بیش از چند دهه گذشته به ما خدمت کرده است، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و اعتبار خود را از دست داد، همان‌طور که انتخاب لغت‌نامه آکسفورد تلویحاً نشان‌دهنده آن است، عصر اینترنت، نوع جدیدی از نیاز به نوشتار را می‌طلبد و معمولاً شیوه‌های سنتی را به حاشیه فرا می‌خواند. اینترنت باعث شکل جدیدی از نوشتار و سوادآموزی شده است. بر اساس تحقیقات انجام‌شده توسط دانشگاه آکسفورد و تجارت فناوری تلفن همراه سوئیف کی^۱، «صورت با اشک شوق» بیش از ۲۰ درصد از همه ایموجی‌های مورد استفاده در بریتانیا در سال ۲۰۱۵ و ۱۷ درصد از همه ایموجی‌های مورد استفاده در ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. ایموجی، در واقع، به طور فزاینده‌ای در سراسر جهان در حال دستیابی به محبوبیت است، به افراد اجازه می‌دهد تا از زمینه‌های مختلف زبانی و فرهنگی، با یکدیگر ارتباط و تعامل واقعی‌تری برقرار کنند. بنابر این، می‌توان ارتباطات بین فرهنگی را با فراتر رفتن از موانع نمادین گذشته که توسط حروف الفبای مشخص محدود شده بود و ایدئولوژی‌های ضمنی سیاسی-اجتماعی که آنها را در بر می‌گرفت، تسهیل کرد. در عصر کنونی «هوش جهانی پیوسته»، این امر ممکن است شروع به فروپاشی کند. این کتاب تلاشی است برای توضیح اینکه چرا موضوع ایموجی‌ها برای همه حائز اهمیت است. در عصر دهکده جهانی الکترونیکی که افراد با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف از طریق تعاملات آنلاین در حال ارتباط مداوم هستند، نشانه ایموجی ممکن است به عنوان یک زبان جهانی تلقی شود که می‌تواند به حل مباحث این دیدگاه که ارتباطات بین‌المللی از ابتدا با آن درگیر بوده است کمک کند. ایموجی در ابتدا در پیام‌های الکترونیکی و صفحات وب ژاپنی مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما در حال حاضر توسط هر کسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. صرف نظر از زبان و بافت‌های فرهنگی، نشانه ایموجی پیامدهای بسیاری برای آینده نوشتار، سوادآموزی و حتی

آگاهی بشر دارد. با یادآوری جنبش‌های زبانی، مانند «بلیس سیمبولیک»^۱ که به عنوان جایگزین برای تخیلات و تغییرپذیری سیستم‌های نوشتار آوایی پیشنهاد می‌شود، نشانه ایموجی بخوبی نشان دهنده چگونگی رشد نوشتار و سوادآموزی است؛ از سوی دیگر، ایموجی‌ها ممکن است فقط یک حالت گذرا باشند. در هر صورت، مطالعه پدیده ایموجی، بوضوح، یک امر قابل توجه است.

این کتاب به طور عمده از دیدگاه نشانه‌شناسی و با اتخاذ یک سبک غیرفنی به ایموجی‌ها می‌نگرد، به طوری که یک مخاطب عمومی می‌تواند با موضوعش درگیر شود. من در مورد ایموجی‌ها به عنوان نشانه‌ها یا نمادهایی تمرکز خواهم کرد که به طرق خاص نشانه‌شناختی (جهت خلق معنا) و رسمی به یکدیگر پیوسته باشند، بدون اینکه از واژگان فنی و اغلب مفاهیم پیچیده نشانه‌شناسی نظری بهره جسته باشم. با این حال، به طور کامل نیز به تمام مسائل فنی نمی‌پردازم زیرا این کار به طور قابل توجهی کار من را دستخوش ضعف می‌کند. با این حال، اگر یک مفهوم فنی ویژه در بعضی مواقع مورد نیاز باشد، آن را تعریف می‌کنم یا آن را به طور خاص به عنوان مثال نشان می‌دهم. در این کتاب چیزی بدیهی انگاشته نشده است. بسیاری از تحلیل‌های انجام شده و شرح داده شده در اینجا بر اساس یک پایگاه داده در دانشگاه تورنتو تشکیل شده است که شامل پیام‌های الکترونیکی از جمله استفاده از ایموجی می‌شود. اطلاعات این پایگاه داده توسط یک تیم تحقیقاتی از چهار دانشجو در دانشگاه متشکل از نادیا گورینو، سولی دوباش، لیلی چه و یوان توان جمع‌آوری شد.

آنها دو وظیفه اصلی را بر عهده داشتند: (۱) جمع‌آوری داده‌های کتبی واقعی که امکان تحلیل آماری دست اول ایموجی‌ها را فراهم می‌آورد؛ و (۲) مصاحبه با یک گروه اطلاع‌رسانی که متشکل از صد دانشجوی کارشناسی در همان دانشگاه بود و همه آنها کاربران عادی ایموجی و افرادی مایل و مشتاق بودند تا در پروژه تحقیقاتی این کتاب

۱. Blissymbols یا Blissymbolics به عنوان یک نظام نوشتاری ایدئولوگ به نام «معنانگاری» (Semantography) شناخته می‌شود که متشکل از چند صد نماد اصلی است، هر کدام بازنمای یک مفهوم به‌خصوص است که می‌توانند با هم ترکیب شوند تا نمادهای جدیدی را خلق کنند که نمایانگر مفاهیم جدیدی باشد. Blissymbols با بسیاری از نظام‌های اصلی نوشتاری در جهان متفاوت است، زیرا حروف ابتدا با صدای هر زبان گفتاری مطابقت ندارد.

شرکت کنند. این گروه انتخاب شد تا منعکس‌کننده تعداد معدودی از مردان و زنان (هر کدام ۵۰ نفر) باشد، تا بدین نحو جنسیت به عنوان یک عامل در استفاده از ایموجی مد نظر قرار بگیرد. تمام اطلاع‌رسانان بین ۱۸ و ۲۲ سال داشتند. آنها تیم را با ۳۲۳ پیام متنی شخصی، توییت و داده‌های دیگر رسانه‌های اجتماعی آماده کردند. این موارد توسط هر اطلاع‌رسان ارائه شد و استفاده از آنها در فرایند تأیید اخلاقی برای استفاده در این کتاب مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات شخصی که اسباب هتک حیثیت را فراهم می‌آورد از متون و مطالب حذف گردید. به طور کلی، گروه اطلاع‌رسان یک «آزمایشگاه میدانی» را تشکیل داد که در آن می‌توان استفاده از ایموجی را به طور مستقیم مورد بررسی قرار داد.

نوشتار با ایموجی‌ها محصول عصر اینترنت است، هرچند در دوره‌های قبلی نیز سبک‌های نوشتاری مشابهی وجود داشته است، همان‌طور که در متون مذهبی دوره‌های قرون وسطی و رنسانس دیده می‌شد که در ادامه به آن می‌پردازیم. هدف من این است که علت وجودی^۱ ظهور ایموجی‌ها را در این زمان و پیامدهای اجتماعی و فلسفی که ممکن است برای ارتباط بین سواد، ارتباطات انسانی و آگاهی بشر وجود داشته باشد ارزیابی کنم.

ایموجی و نظام‌های نوشتاری

نوشتن به معنی به اشتراک گذاری است. این بخشی از وضعیت بشری است که تمایل دارد چیزها را به اشتراک بگذارد.

پائولو کوئیلو (تولد، ۱۹۴۷)

واژه سال لغت‌نامهٔ آکسفورد (رجوع کنید به «مقدمه») تنها رویدادی در سال ۲۰۱۵ نبود که معنای رو به رشد ارتباطی و اجتماعی ایموجی را به ارمغان آورد. موسیقیدانان، هنرمندان، سیاستمداران و تبلیغگران، در میان بسیاری افراد دیگر، شروع به استفاده از ایموجی‌ها در توییت‌ها، صفحات فیسبوک خود، در وبسایت‌ها و دیگر مکان‌های دیجیتال کردند. یک هنرمند برجستهٔ موسیقی مانند سِر پِل مک‌کارتی، از بیتلز، توسط اسکایپ برای ایجاد ۱۰ آهنگ متحرک به نام «ایموجی‌های عشقی»^۱ در برنامهٔ جدید خود استفاده کرد. این شخصیت‌ها عبارت‌اند از موز عاشق^۲، اختاپوس پرهیجان^۳ و خدای سومو^۴. همان‌طور که اسم آنها نشان می‌دهد، آنها زمان‌بندی شده‌اند تا در روز ولنتاین استفاده شوند. ایموجی‌ها در موسیقی پس‌زمینهٔ ایجاد شده توسط مک‌کارتی حرکت می‌کنند و به چرخش در می‌آیند.

پیش از این نیز، اسکایپ ایموجی‌های متحرک سفارشی را معرفی کرده بود که از تمام نسخه‌های جدید بهره‌جسته بود؛ از تصاویری استودیوهای اصلی فیلم گرفته تا

-
1. Love Mojis
 2. Flirting Banana
 3. Excited Octopus
 4. Sumo Cupid

احترام نمادین به سنت‌های هندی. این اقدام اسکایپ غیرمعمول و بی‌قاعده نیست. در سراسر این جامعه مدرن، به نظر می‌رسد که نوعی ضرورت برای ترکیب ایموجی‌ها، برای نمایش سبک جدید و «مطلوب» نوشتار و برقراری ارتباط وجود دارد. این ضرورت به نسل هزاره‌ای که در دنیای دیجیتال رشد کرده است محدود نمی‌شود. این امر تقریباً به همه سرایت کرده است، از پل مک‌کارتی گرفته تا هیلاری کلینتون. ایموجی سیاستمدار آمریکایی که برای کاربران آیفون و آندروید ساخته شده است و «ایموجی هیلاری»^۱ (هیلموجی) نامیده می‌شود. در روز ۱۷ ژوئیه نیز حتی یک «روز جهانی ایموجی» وجود دارد تا فرهنگ متنوع و در حال گسترش ایموجی‌ها را جشن بگیرند. تا آنجا که من می‌دانم، تا به حال هیچ‌کس چنین چیزی را در گذشته جشن نگرفته است - «روز جهانی حروف صدا دار» به نظر می‌رسد توسط کسانی که در دوره چاپ قبلی رشد کردند، بی‌اهمیت، مضحک و یا خنده‌دار باشد.

گسترش ایموجی‌ها موجب بروز چندین سؤال کلیدی در ارتباط با نحوه ارتباط ما در دوره کنونی می‌شود و به طور قابل توجهی این سؤال را به وجود می‌آورد که چرا ما این کار را در این سبک جدید مشابه کتاب‌های مصور انجام می‌دهیم. قبل از اینکه حتی این سؤال را در نظر بگیریم، مفید است (حتی اگر اهمیتی ندارد)، گامی به عقب برداریم و به طبیعت و نقش نظام‌های نوشتاری در زندگی بشر و نحوه تکامل آن بنگریم. این هدف اصلی این فصل است. این گذار تاریخی به من اجازه می‌دهد تا چهارچوبی نظری را ایجاد کنم که لازم است برای بحث در مورد پدیده ایموجی به صورت نشانه‌شناختی در پیش گیرم. بنابر این، پس از یک بحث مختصر از ریشه‌های ایموجی‌ها، این فصل به صورت نموداری به نظام‌های نوشتاری همراه با جنبه‌های اجتماعی نوشتار و روش‌های مختلف آن نگاه خواهد کرد. بحث در اینجا محدود به موارد ضروری است. در نهایت، شرح روش تحقیق و ابزارهای نشانه‌شناختی که برای این کتاب استفاده می‌شود، فصل را در بر می‌گیرد.

ریشه‌های ایموجی

واژه ایموجی (Emoji) یک اقتباس انگلیسی از واژه ژاپنی 絵文字 است؛ ای (e) از واژه

ایموجی به معنای «تصویر» است و موجی (moji) به معنای «حرف، شخصیت» است. بنابر این، تعریف ایموجی، بسادگی یک «تصویر-کلمه» است که توصیف دقیق‌تری از چستی ایموجی است. این واژه به خودی خود در انگلیسی می‌تواند به عنوان مفرد و جمع (که در این کتاب عمل می‌شود) استفاده شود، اگرچه اکنون نیز اغلب به صورت جمع به کار برده شده است (ایموجی‌ها). اولین نمادهای ایموجی، متفاوت از ایموجی‌های ایموتیکان^۱، در سال ۱۹۹۸ توسط یک کارمند مخابراتی ژاپنی به نام شیگه‌تاکا کوریتا^۲ ایجاد شد که به نظر می‌رسید مشتاق خواندن کمیک‌های مانگا^۳ بود، و با اتخاذ سبک مانگای بصری جذاب به جایگزین کردن سبک ایموجی‌های گرافیکی بیشتری پرداخت. در حقیقت، در سال ۱۹۹۷، زمانی که استفاده از اینترنت بیش از پیش غالب شده بود، بسیاری از کاربران شروع به استفاده از ایموجی‌های آسکی^۴ در وبسایت‌ها کردند و در ایمیل‌ها، آسکی نام «کد استاندارد آمریکا برای تبادل اطلاعات»، یعنی مجموعه استاندارد رمزگان دیجیتالی بازنمایی‌کننده حرف‌ها و نمادها، در انتقال متون بین کامپیوترها استفاده شد. این همان سالی بود که نیکولاس لوفرانی^۵ «شکال پرتره‌ای ایموتیکان^۶» را برای جایگزینی عناصر ساده ساخته‌شده با علامت‌های نشانه‌گذاری و نقطه‌گذاری ایجاد کرد. لوفرانی پسر روزنامه‌نگار فرانکلین لوفرانی است، که اولین بار در سال ۱۹۷۲ نماد لبخند (اسمیلی) را علامت تجاری کرد. او این کار را به منظور مثبت و خوشبینانه کردن رپرتاژهای خبری به جای حالت منفی و بدبینانه‌ای که در رسانه‌های چاپی یافت می‌شد انجام داد. درست بعد از آن، لبخند به عنوان نماد «مثبت» و «شاد بودن» در سراسر جهان پذیرفته شد.

۱. Emoticons: نسل اول ایموجی‌ها که به جای تصویر از نشانه‌های موجود برای ابراز حالت درونی استفاده می‌کرد مثلاً (-: به جای خنده

2. Shigetaka Kurita

3. manga

۴. کلمه آسکی (ASCII) مخفف عبارت for "American Standard Code Interchange" به معنای «استاندارد کدگذاری آمریکایی برای تبادل اطلاعات» بوده و تلفظ آن /'æski/ است. آسکی یکی از کدبندی‌های نوشته (Character Encoding) است که به وسیله آن طرفین مبادله‌کننده اطلاعات می‌توانند به طور صحیح داده‌ها را دریافت و تشخیص بدهند. به عبارت بهتر، ASCII نوعی قرارداد برای تشخیص نوشته‌هاست.

5. Nicolas Loufrani

6. portrait emoticon forms

برای صحت بخشیدن به تاریخچه دقیق آن، باید اشاره کرد که ایموجی توسط یک هنرمند آمریکایی به نام هاروی راس بل^۱ در سال ۱۹۶۴ اختراع شد. او ایموجی را برای یک شرکت بیمه ایجاد کرد که می‌خواست آن را بر روی دکمه‌های صفحه کارکنان خود قرار دهد تا روحیه آنها را افزایش یابد. شور و شوق استفاده از این دکمه‌ها، ایالات متحده آمریکا و در نهایت جهان را در بر گرفت؛ بنابراین، تصویر لبخند را به آگاهی جهانی گره زد. در اوایل دهه ۱۹۷۰، فنجان‌ها، تی‌شرت‌ها، برچسب‌های سپر ماشین (با عبارت «روز شادی داشته باشید») توسط دو کارآفرین فیلادلفیایی، یعنی برادران اسپین (برنارد و موری)^۲ تهیه شد، به‌طوری که می‌توان آن را در سراسر چشم‌اندازهای جامعه مشاهده کرد. سپس، در سال ۱۹۸۲، یک گروه از محققان «کارنگی ملون»^۳ که از بولتن‌های آنلاین استفاده می‌کردند به نوعی «طنز تجاری»^۴ در مورد حوادث ساختمان خود روی آوردند، زیرا آنها به این واقعیت دست یافته بودند که دیگران ممکن است استراق سمع کنند و بنابر این گفت‌وگوهای افراد را بسیار جدی‌تر از آنچه که واقعاً بود تلقی نمایند. از اینجا، داستان ادامه می‌یابد؛ آنها لبخند، (: را توسعه دادند، تا این اطمینان حاصل شود که همه به درک اینکه پیام ارسالی محتوایی فکاهی و طنز دارد نه جدی ناائل آیند. یک دهه بعد، ایموجی ظاهر شد تا ایموتیکان‌ها را به شکل تصویری کامل‌تر کند: 😊 به جای :) .

با وجود این، این اشکال ایموجی‌های کوریتا بود که از سال ۲۰۱۰ به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت. از سال ۲۰۱۱، یعنی زمانی که آپل سیستم عامل ۵ خود را راه‌اندازی کرد (iOS5) و شامل شخصیت‌های ایموجی بود، نمادهای تصویری کوریتا در سراسر قالب‌های ارتباطی دیجیتال و در سراسر جهان موجی به راه انداخت. ایموجی در حال حاضر در همه انواع صفحه‌کلیدهای کامپیوتری وجود دارد. مورد زیر یک نمونه از این حیث است:

-
1. Harvey Ross ball
 2. Bernard and Murray Spain
 3. Carnegie Mellon
 4. trade quips



کیبورد با شخصیت‌های شکلک

با راه‌اندازی یونیکد ۸ در سال ۲۰۱۵، که فهرست جامعی از واژگان تصویری موجود را در دسترس قرار داد (از جمله ایموجی خنده‌هایی با حالات مختلف)، استفاده از ایموجی تبدیل به یک نظام نوین نوشتاری واقعی شد و نشان داد که چگونه مردم از طریق اینترنت و دستگاه‌های تلفن همراه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و به بسیاری از مناطق جامعه نیز از تبلیغات گرفته تا مبارزات انتخاباتی سیاسی نفوذ می‌کنند. یونیکد یک استاندارد رمزگذاری بین‌المللی برای استفاده با حروف الفبای مختلف است. یونیکد مقدار عددی منحصر به فردی را برای هر شخصیتی که در سیستم‌عامل‌ها و برنامه‌های مختلف اعمال می‌شود، اختصاص می‌دهد و به کاربران زبان‌های مختلف امکان استفاده از یک نظام واحد از فونت‌ها را می‌دهد. همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، ظهور و گسترش سریع ایموجی ممکن است تغییر پارادایمی آغازین را در نحوه درک نوشتار، سوادآموزی و ارتباط امروزه نشان دهد. برخلاف عصر چاپ که تشویق و حتی تحمیل شده بود، یعنی استفاده انحصاری از نوشته‌های حروف الفبا در اکثر رسانه‌های پیام‌رسان و حوزه‌های سوادآموزی، عصر کنونی اینترنت وجوه مختلف نوشتار (بصری و صوتی) را تشویق می‌کند تا از حروف الفبا (و غیرالفبایی) در ترکیب پیام‌ها به طور همزمان استفاده کند. این نوع جدید نظام «نوشتاری ترکیبی»، مفاهیم وسیعی را در دل خود جای داده است؛ از پایان احتمالی عصر چاپ گرفته تا نشانگان مدرن نیروهای ناخودآگاه دخیل در تکامل نظام‌ها و رویه‌های ارتباطی بشری انسان. همان‌طور که ذکر شد، هدف این کتاب فهم عمیق معانی از طریق بررسی اشکال، معانی و کارکردهای ایموجی و درک دلالت‌های مربوط دیگر از آنهاست.

از آنجا که ایموژی‌ها از پیش طراحی شده و به طور گسترده‌ای شخصیت‌های تصویری استاندارد شده‌اند، می‌توان آنها را نوع جدیدی از نظام‌های نوشتاری مصنوعی قابل استفاده جهانی دانست. اما علی‌رغم این، همان‌طور که در این کتاب بحث می‌شود، پدیده ایموژی بسیار بیشتر از این حرف‌هاست. بنابر این، مفید است که در اینجا مفهوم «نظام نوشتاری» را بازنویسی کرد تا نقطه عزیمتی برای این بحث ایجاد شود که ایموژی در تقابل با شیوه‌های نوشتاری گذشته که به طور طبیعی تکامل یافته‌اند، در کجا قرار گرفته است. عبارت «مصنوعی» در اینجا استفاده می‌شود تا به یک نظام نوشتاری اشاره کند که به طور عمدی توسط یک فرد ساخته شده است، به جای آنکه در طول زمان از تمایلات تاریخی زبان‌شناختی و فرهنگی، توسعه خود را به سمت جلو پیش ببرد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که ایموژی‌ها ویژگی‌های منحصر به فردی نسبت به نظام‌های نوشتاری سنتی دارند. آنها دارای کارگرد دوگانه صورت‌نگارانه^۱ (بازنمای مستقیم ایزه‌ها) و واژه‌نگارانه^۲ (جایگزینی کلمه) هستند. همان‌طور که مشخص است، نوشتار اولیه اساساً تصویری بود، و بعدها در مناطق مختلف جهان به نظام‌های واژه‌نگارانه، اندیشه‌نگارانه یا الفبایی تبدیل شد. مارشال مک‌لوهان (۱۹۶۲) به این نتیجه رسید که تغییر از نظام صورت‌نگارانه به حروف الفبا در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد، اولین پارادایم شناختی واقعی در تاریخ بشری بود که مهاجرت انسان از جوامع قبیله‌ای به تمدن‌های ابتدایی را موجب شد؛ تمدن‌هایی که بشدت وابسته به معاملات نوشتاری بود و اسناد برای ایجاد پایه‌ها و تضمین کارایی آنها به عنوان نظام‌های جدید زندگی جمعی حائز اهمیت بودند.

با ظهور و گسترش ایموژی که در حال حاضر تقریباً به طور کامل جایگزین ایموپیکان‌ها شده است، امکان وقوع دومین تغییر پارادایمی در توسعه وجود دارد که مشخصه آن نوعی بازیابی نوشتارهای صورت‌نگارانه-واژه‌نگارانه است که با نوشتن الفبایی ترکیب شده باشد. اگر این روند ادامه یابد و به یک زبان ترکیبی کامل تصویری-آوایی منجر شود، می‌توان استدلال کرد که پایه‌های یک تمدن جدید را بر پایه یک زبان بصری مشترک یا دقیق‌تر بخواهیم بگوییم یک نظام نوشتاری ترکیبی (یا مخلوط)

1. pictographic
2. logographic

گذارده است. در صورتی که چنین باشد، بنابر این راه‌های خواندن و نوشتن پیام‌ها توسط ما نه تنها کاملاً متفاوت از گذشته است، بلکه ممکن است تغییری چشمگیر نیز در آگاهی انسان داشته باشد که از حالت خطی و تحت‌الفظی پردازش اطلاعات به سوی یک چهارچوب کل‌نگرانه و متخیلانه بدل گردیده است.

از سوی دیگر، نوشتار با ایموجی ممکن است فقط یک جرقه و حس گذرا و همراه با فناوری‌های جدید و گرایش‌ها در فرهنگ عامه باشد (بالاخره همه آنها از کمیک‌های مانگا الهام گرفته شده‌اند) که به کاربران اجازه دهد پیام‌های خود را سرگرم‌کننده‌تر و لذت‌بخش‌تر کنند. ممکن است این گمان نیز وجود داشته باشد که کارکردهای آنها به جای آنکه قابل توجه باشد بیشتر حالت تزئینی داشته باشد. همان‌طور که فناوری‌ها تغییر می‌کنند (که نشان از همان زودگذری دارد)، این اعتقاد نیز وجود دارد که ممکن است در آینده نه‌چندان دور ایموجی خود نیز تبدیل به چیزی از گذشته شود. این سوالات در سراسر این کتاب مطرح می‌شود، اما در دو فصل نهایی به طور مستقیم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نظام‌های نوشتار

نظریه‌های مربوط به ریشه‌های نوشتار بسیار است و بنابر این پرداختن به تاریخچه این بحث‌ها در اینجا مربوط به کار ما نمی‌شود. با این حال، برخی حقایق و ایده‌ها وجود دارد که در میان زبان‌شناسان و باستان‌شناسان پذیرفته شده‌اند و برای موضوع این کتاب نیز مفید هستند. یکی از برجسته‌ترین آنها این است که نوشتار صورت‌انگاره پیش از هر نوع دیگر به صورت فیلوژنتیک^۱ یا تبارزایی است و ظهور آن با آنچه دانشمندان «هنر پیشاتاریخی» نامیده‌اند، مصادف می‌باشد. در این صورت، نوشتار و هنر ممکن است خاستگاه مشترک داشته باشند (بوساک، ۱۹۸۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷). تا به امروز، ما به طور شهودی تمایل به نوشتار تصویری در هر نوع آن، از جمله ایموجی، را به عنوان امری نسبتاً هنری درک کردیم. به نظر می‌رسد این «غریزه نوشتار تصویری» (داتون، ۲۰۱۰) بخشی از DNA انسانی است، که خود را در اوایل زندگی افراد در صحبت‌کردنشان

نشان می‌دهد. زمانی که کودکان اولین کلمات خود را بیان می‌کنند، اگر به آنها یک ابزار ترسیمی داده شود، شروع به نوشتن و خط‌خطی کردن بدون هیچ‌گونه آموزشی می‌کنند. بعضی‌ها مدعی‌اند که این امر ممکن است باقیماندهٔ تکاملی از گذشتهٔ دور باشد که به طور ناخودآگاه توسعهٔ زبان را هدایت می‌کند (وایگوتسکی، ۱۹۶۲). سوابق باستان‌شناسی نشان می‌دهد که تعریف ویژگی‌های گونه‌های انسانی، مانند توانایی فکر کردن و برنامه‌ریزی آگاهانه و انتقال مهارت‌ها و دانش به نسل‌های بعد، همزمان با ظهور زبان است که از آغاز در اشکال صوتی و غیرکلامی (از قبیل ژست) نمود می‌یابد. بسیاری از زبان‌شناسان (شاید بیشترین آنها) در مقیاس تکاملی زبان صوتی را با توجه به اینکه صرفاً وسیله‌ای برای ضبط سخن‌گویی صوتی است به عنوان مقدمهٔ زبان نوشتاری می‌دانند. همان‌طور که لئونارد بلومفیلد^۱ (۱۹۳۳: ۲۱) بخوبی به آن اشاره کرد: «نوشتار زبان نیست، بلکه صرفاً راهی برای ضبط زبان با استفاده از نشانه‌های قابل مشاهده است.» با این حال، تصادفی نیست که این دیدگاه عمدتاً محصول جوامعی باشد که از حروف الفبا استفاده می‌کنند. اگر سوابق باستان‌شناسی و دیرینه‌شناسی صحت داشته باشند، پس نمی‌توان این مطلب را کاملاً اثبات کرد. شواهد قوی وجود دارد مبنی بر اینکه زبان به عنوان یک قوهٔ ذهنی پیش از سخن‌گویی صوتی پیشرفت کرده و از طریق حالات چهره و تصویرسازی بیان شده است. این شواهد غیرمستقیم اما کماکان متقاعدکننده است. حنجره از لحاظ جسمی سخنرانی را امکان‌پذیر می‌کند. در نوزادان انسان این مورد در گردن زیاد است، همان‌طور که در سایر نخستین‌سانان است. نوزادان به روش‌هایی که از نظر فیزیولوژیکی شبیه به گوریل‌ها و شامپانزه‌هاست نفس می‌کشند، غذا می‌خورند و صدا در می‌آورند. اما در حقیقت در حول‌وحوش سه تا شش ماه نخست زندگی، حنجره شروع به فرو رفتن در گردن می‌کند. وضع پایین جدید بدن معنی است که دستگاه تنفسی و دستگاه گوارش اکنون از بالای آن عبور می‌کند. این امر موجب چندین خطر می‌شود: غذا براحتی در ورودی حنجره قرار می‌گیرد و انسان‌ها نمی‌توانند همزمان بدون بستن آن بنوشند و نفس بکشند. اما در عوض، یک اتاق حلقوی در بالای چین‌های صوتی ایجاد می‌کند که می‌تواند صدا را اصلاح کند و امکان سخن‌گویی صوتی را فراهم آورد.

در حال حاضر، تحقیق بر روی قالب جمجمه انسان نشان داده است که کاهش میزان حنجره در حدود ۱۰۰ هزار سال پیش به یک ویژگی دائمی انطباق کالبدی انسان تبدیل شده است (لیتمن، ۱۹۸۳، ۱۹۹۰). این مهم بخوبی نشان می‌دهد که ممکن است زبان بدون بیان صوتی در گونه‌های قبل از انسان خردمند^۱ وجود داشته است. بدین ترتیب، محتمل‌ترین حالت‌های ارتباطی حالت چهره و شاید صورت‌نگاری بوده است. از زمانی که بیان صوتی از لحاظ فیزیولوژیکی امکان‌پذیر شد، این احتمال وجود دارد که آن را در کنار نشانه‌های مبتنی بر حالت چهره، و نه به طور کامل جایگزین آنها استفاده کرده باشند. این محتمل‌ترین دلیلی است که چرا ما هنوز هم از حالت چهره به عنوان یک روش ارتباطی استفاده می‌کنیم (زمانی که بیان صوتی غیرممکن است) و چرا زمانی که به صحبت می‌پردازیم از ایما و اشاره نیز بهره می‌جویم. در حال حاضر، هر قدر ارتباط بین نوشتار و بیان صوتی و آوایی کافی به نظر برسد، لازم است این نکته را نیز ذکر کنیم که هر دو حالت برای رمزگذاری، ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات استفاده می‌شود. آنها انحصاراً رابطه دوطرفه ندارند. این دو در بسیاری از موارد مکمل یکدیگرند. واضح است که مطالعه نظام‌های نوشتاری پیامدهای بسیاری برای ریشه و تکامل فرهنگ‌های انسانی دارد. نظام‌های نوشتاری به چند دسته گسترده تقسیم می‌شوند. البته، نوشتار صورت‌نگارانه، شامل نشانه‌های تصویری است که شبیه آن چیزی که به آن دلالت دارد ساخته شده است. نوشتار ایدئولوگ یا اندیشه‌نگارانه شامل استفاده از تصاویر و نمادهایی برای بازنمایی ابژه‌ها و ایده‌ها و معمولاً با ترکیب تصاویر به گونه خاص است. هجابندی‌ها^۲ از حروفی تشکیل شده‌اند که نماینده هجاهای آوایی هستند، بنابر این در حال دسترسی به نظام‌های الفبایی هستند، و واژه‌نگارانه‌ها نیز شامل نمادهایی است که مستقیماً برای ارجاع به کار نمی‌روند، بلکه برای کلماتی است که آنها به کار می‌برند. الفباها شامل مجموعه‌ای استاندارد از حروف هستند که در حقیقت با نام حروف یا نویسه‌ها^۳ شناخته شده‌اند و بازنمایی‌کننده واحدهای گفتاری به نام واج‌ها (مانند صداهای مشخص و صداهای هم‌آهنگ) هستند. هرچند این یک طبقه‌بندی بسیار

1. pre-Homo sapiens

2. Syllabaries

3. graphemes

ضعیف از نظام‌های نوشتاری و حالت‌های آنهاست، اما برای اهداف موجود مناسب خواهد بود. الفباها «اقتصادی‌ترین» نوع از تمام نظام‌هاست. از آنجا که، مانند رقم‌های اعشاری یا سیستم‌های عددی دوتایی (مبنای دو)، آنها نیز شامل مجموعه‌ای محدود از نمادها (بیست تا حدود سی و پنج) می‌باشند که می‌تواند برای نوشتن تمام کلمات یک زبان بیش از بیش استفاده شود، در حالی که هجابندی یا فهرست سیلاب‌ها از هشتاد تا صد نماد، و نظام‌های دیگر چند صد مورد است. در الفباها، نمادهای گرافیکی، که به عنوان نشانه‌های تأکید شناخته می‌شوند، بعداً به منظور کمک به طرح‌بندی متن نوشته‌شده، هم به عنوان نشانه‌هایی برای کلمات و مرزهای حکم^۱ (جمله)، و هم برای نشان دادن ویژگی‌های عروضی، مانند صرف و تلفظ، معرفی شدند. با توجه به پیچیدگی انتزاعی نمادین سیستم‌های حروف الفبا، کمی تعجب‌آور است که یادگیری و تسلط بر آنها نیاز به زمان و تحصیلات ژرف دارد.

حروف الفبا، خطی^۲ نامیده می‌شوند، زیرا آنها متون را به صورت خطی، از چپ به راست، راست به چپ، بالا و پایین یا پایین به بالا در نظر می‌گیرند؛ نظام‌های غیرالفبایی به حروف چینی‌های جهتی کمتر وابسته هستند، چراکه نمادهای آنها به جای صداها، بیشتر بر پایه مفاهیم استوار است. این بدان معنا نیست که نظام‌های ثانوی ساختار ندارند. همان‌طور که ناومی بارون^۳ (۲۰۱۰) مشاهده کرد، یک ویژگی عمده نوشتار الفبایی این است که منطبق با نحو زبانی است که آن را نقل می‌کند، و به آن اجازه ترکیب قواعد منفرد در مفاهیم پیچیده مرتبط در برخی تمهیدات قاعده‌مند را می‌دهد (تریگر، ۱۹۷۴). از سوی دیگر، نظام‌های صورت‌نگارانه کمتر به نحو زبان کلامی وابسته هستند (مالری، ۱۸۹۳). آنها به واسطه توانایی خود برای بازنمایی مراحل متوالی اپیزودها و اعمال، مانند موارد روایی، بسیار متنوع و تطبیق‌پذیر می‌باشند (دیرینگر، ۱۹۶۲: ۲۱).

تحقیقات نشان می‌دهد که بین حالت‌های نوشتار آوایی و بصری در اکثر سبک‌ها و شیوه‌های نوشتاری تعادلی وجود دارد (شل، ۱۹۷۹). به عنوان مثال، مایا^۴ دارای

1. sentence boundaries

2. linear

3. Naomi Baron

۴. Maya: زبان مایایی مجموعه‌ای از زبان‌های به هم پیوسته هستند که سرخپوستان مایا در آمریکای مرکزی به آنها تکلم می‌کنند.

مجموعه‌ای از نمادهای نوشتاری فونیکال یا آوایی بود که در کنار شخصیت‌های تصویری استفاده می‌شد. نوشتار صورت‌انگارانه برای سوابق سلسله‌های حکومتی استفاده می‌شد، زیرا رمزگشایی آن برای بیشتر مردم آسان‌تر بود. به عبارت دیگر، نظام مایا یک حالت ترکیبی یا «مخلوط» بود که در آن یک حرف الفبا یا سایر حروف به منظور اطمینان از اینکه عمل درک رخ می‌دهد به عنوان یک ملزوم مورد استفاده قرار گرفت. مشهورترین نظام نوشتاری ترکیبی باستانی، یک نوع هیروگلیف مصری بود. از حدود ۲۷۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد، هیروگلیف مصری عمدتاً شمالی بود، و به مدلول‌هایی به هم پیوسته اشاره می‌کرد (چشم، زرافه، صندل، نی، نان، فلوت و غیره). اما همچنان که این نظام به طور منظم مورد استفاده قرار گرفت، برای اشاره به ارجاعات صریح و انتزاعی (ضربه زدن، گریه کردن، پیاده‌روی، شکستن، پیوند زدن)، اندیشه‌نگاره‌های متعددی را ایجاد کرد. علاوه بر این، بین بخش‌هایی از گفتار و اشکال نوشتاری واقعی نیز ارتباط وجود داشت. اسم‌های ذات^۱ به طور معمول به عنوان صورت‌نگاره‌ها به تصویر کشیده می‌شدند، در حالی که افعال با اندیشه‌نگاره‌ها نشان داده می‌شدند (گلدویز، ۱۹۹۵). برخی از حروف الفبای مدرن به جای حالت ترکیبی خود بیشتر «دوبعدی» هستند که شامل دو نوع عمده از حروف الفبای نوشتاری است. برای مثال، زبان ژاپنی با دو هجابندی کامل نوشته می‌شود - هیراگانا و کاتاگانا - و برای این طراحی شده‌اند تا شخصیت‌هایی را که در اصل از چینی وام گرفته شده‌اند تکمیل کنند. همهٔ اینها نشان می‌دهد که نوشتار یک روش دلخواه برای نشان دادن بیان آوایی نیست، بلکه ابزار بسیار سازگار و فرهنگی برای رمزگذاری اطلاعات محسوب می‌شود.

اولین نظام الفبایی شناخته‌شده «ابجد» بود که در آن یک نماد واحد برای حروف بی‌صدای خاصی وجود داشت. حروف متنوع الفبایی زبان سامی‌ها^۲ نیز در اصل چنین نظام‌هایی بودند. وقتی حروف ابجد فینیقی^۳ به یونان رسید، نمادهای صداداری به آن اضافه شد تا آن را تبدیل به یک الفبای کامل‌تر کند. برای صحت‌بخشی به تاریخچهٔ

1. Concrete nouns
2. Semitic
3. Phoenician abjad

دقیق، لازم به ذکر است که حروف الفبایی به نام ابوگیدا^۱ در سایر نقاط جهان وجود داشت که برای حروف صامت دارای نمادهای آوایی بودند. همچنین حروف الفبایی به نام فیچرال یا ویژه^۲ وجود دارد و دارای نمادهایی است که بر پایهٔ ویژگی‌های آوایی صداها مانند مثلاً «لب زدن» یا «صدا در آوردن» عمل می‌کند. بهترین حروف الفبای ویژه «هنگول» کراهی است که در آن نمادها با حروف الفبا به قطعه‌های سیلابی برای نوشتن کلمات ترکیب می‌شوند.

پس از اینکه رومیان حروف الفبای یونانی را اقتباس کردند و آن را برای اهداف خود به کار بردند، نوشتار الفبایی در شیوه‌های نوشتار غرب تبدیل به یک رویه شد (کولماز ۱۹۸۹). نوشتار الفبایی به احتمال زیاد در بازارهای دنیای باستان ظهور کرد، زیرا ثبت معاملات را سریع و کارآمد ساخت. این گذار هرچند امری تکامل‌یافته تلقی می‌شد، اما با این حال نمی‌توان آن را یک انقلاب در حوزهٔ خود به شمار آورد. هر حروف الفبایی، بقایای نمادین یک تغییر سبک‌شناختی و ادیبانه به برخی از صورت‌نگاره‌های پیشین است. به عنوان مثال، حرف الفبای A به عنوان تصویری از یک گوساله در مصر آغاز شد. این تصویر در بعضی موارد به نظر می‌رسید که فقط در چهارچوب صریح و مشخص کشیده شده است، و در نهایت به کلمه گاو نر (الف) دلالت دارد. حدود یک هزار سال پیش از میلاد، کاتبان فینیقی، که از راست به چپ می‌نوشتند، خطوط طرح کلی گاو نر را یک‌طرفی کشیدند. شکل فینیقی تحریف‌شده فقط برای اولین صدا در کلمهٔ (a for aleph) به کار رفت آن هم به این دلیل که خیلی آشنا به نظر برسد. یونانیان که از چپ به راست می‌نوشتند، شکل فینیقی را به سمت دیگری چرخاندند. حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد، A عمودی و وارونه حالتی فرض می‌شد که امروزه در حروف الفبای رومیان شاهد آن هستیم.

هنگامی که یونانی‌ها به تقلید از واژه‌های فینیقی (الف (aleph) برای «گاو نر»؛ بت (beth) برای «خانه»؛ جیمِل (gimel) برای «شتر») شروع به نام‌گذاری هر نماد با کلمات مانند آلفا، بتا، گاما، کردند، مفهوم «الفبا» در نهایت در آگاهی بشری متبلور شد و

۱. Abugidas: بخشی است که در آن توالی همخوان-واکه (حروف بی‌صدا-صدادار) به صورت واحد نوشته می‌شود.

نقش بست. از آنجا که نوشتار آوایی در یک خط قرار می‌گیرد، جهتی که حروف نوشته می‌شود تبدیل به یک رویه نوشتاری اجتماعی شد. الفبای اولیه می‌توانست در دو جهت اصلی، به صورت افقی (چپ به راست یا راست به چپ) یا عمودی (بالا و پایین) نوشته شود. متون نیز به طور معمول به صورت دوسویه^۱ نوشته می‌شوند (شروع در یک جهت و سپس تغییر جهت در انتهای خط). جهت‌گیری نظام یونانی و بیشتر نظام‌های نوشتاری الفبایی غرب از چپ به راست هستند. از سوی دیگر، متون عربی و عبری، جهت‌گیری راست به چپ را در نظر گرفتند. حروفی که حروف الفبایی چینی را تشکیل می‌دهند، معمولاً به صورت عمودی (از بالا به پایین) و از سمت راست به سمت چپ صفحه نوشته می‌شوند، اما امروزه به دلیل تأثیر غربی‌ها، نیاز روزافزون به کلمات در حروف الفبای لاتین و وجود محدودیت‌های فنی در فرمت‌های سند الکترونیکی، در جهات مختلف نوشته می‌شود.

حروف الفبا بتدریج عناصر مختلف دیگری را نیز شامل شد و علائم تأکید و نشانه‌گذاری برای نشان دادن ویژگی‌های بخش‌ناپذیر گفتار (تلفظ، مکث و غیره) در آن گنجانده شد. اعداد و دیگر علامت‌های غیرالفبایی نیز در نظام‌های الفبایی موجود استفاده شده‌اند. این علائم شامل نشانه‌های درصد (%،)، نشانه‌های ارز و پول (\$، €) و سایر نشانه‌های رایج مانند امپرسند (&) و علامت «ت» (@) می‌باشد.

نوشتار به مثابه رویه اجتماعی

نیازی به گفتن نیست که دسته‌بندی‌ها و چهارچوب‌های نظری دیگری برای طبقه‌بندی و توصیف نوشتار خلق شده است. علاوه بر این، اصطلاح نوشتار محدود به حروف الفبا و ویژگی‌های آنها نیست بلکه برای اشاره به رویه‌های اجتماعی و ارزش‌های مرتبط با بازنمایی و ارتباطات نوشتاری نیز استفاده شده است. از ابتدای تمدن، نوشتار به عنوان ارزش اجتماعی والا محسوب می‌شد. از این رو در طول زمان و در فضاهای فرهنگی برای ثبت ایده‌های مهم، مانند آنچه در متون مقدس و رساله‌های علمی و فلسفی وجود دارد، استفاده می‌شده است. نوشتار همیشه به عنوان